

به نام خدای مهربان

وقتی میمون هی شوم

رمان نوجوان
تخیلی - طنز

کلاید و شبیح مدرسه



تیموتی رولاند
ترجمه‌ی امیرحسین میرزائیان



فهرست

- فصل ۱: خبرهای میمونی ۵
- فصل ۲: میمون در موزه ۱۱
- فصل ۳: میمون و فزانورد ۱۸
- فصل ۴: رز ترسناک ۲۳
- فصل ۵: جشن هالووین ۲۹
- فصل ۶: لباس‌های هالووین ۳۴
- فصل ۷: وقت مهمانی است! ۴۱
- فصل ۸: حقیقت ۵۱
- فصل ۹: برای همیشه؟ ۵۷
- فصل ۱۰: گوش‌های میمونی ۶۶
- فصل ۱۱: رازها ۷۱
- فصل ۱۲: وقت میمون شدن است! ۷۷
- فصل ۱۳: دستگیری شبیح ۸۴
- فصل ۱۴: ای وای! ۹۱



دفتر و فروشگاه مرکزی:
تهران، خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، خ محتشم، شماره ۲۰، طبقه همکف، واحد ۱
تلفن: ۰۲۱ ۶۶۴۱۰۰۴۱ (خط ۵) • تلفکس: ۰۲۱ ۶۶۴۸۲۶۳
کد پستی: ۱۳۱۵۸۴۴۵۴۷ • سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۶۶۶۶۶۳
@ghasedakbooks • www.zekr.co

کلاید و شبیح مدرسه

وقتی میمون می‌شوم - ۴

نویسنده و تصویرگر: تیموتی رولاند

ترجمه‌ی امیرحسین میرزائیان

مدیر هنری و اجرای جلد: حسین نیلچیان

صفحه‌آرا: مهتاب یعقوبی

لیتوگرافی: گلپا • کد: ۹۶/۷۵۷

چاپ سوم: ۱۳۹۸ • تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۸۷۴-۴

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۸۷۰-۶

کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای
موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر محفوظ است.

چاپ سوم

سرشناسه: رولاند، تیموتی Roland, Timothy
عنوان و نام پدیدآور: کلاید و شبیح مدرسه/تیموتی رولاند؛ ترجمه‌ی امیرحسین میرزائیان.
مشخصات نشر: تهران: موسسه نشر و تحقیقات ذکر، کتاب‌های قاصدک، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.؛ مصور. فروست؛ وقتی میمون می‌شوم؛ ۴.
رمان نوجوان-علمی تخیلی، طنز. وضعیت فهرست نویسی: قیپا
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۸۷۴-۴ شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۸۷۰-۶ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۸۷۴-۴
یادداشت: عنوان اصلی: Monkey me and the school ghost, 2014.
یادداشت: گروه سنی: ج.
موضوع: داستان‌های فکاهی مصور موضوع: Comic books, Strips, etc.
موضوع: داستان‌های طنزآمیز انگلیسی موضوع: Humorous stories, English.
شناسه افزوده: میرزائیان، امیرحسین، ۱۳۶۴ - مترجم
رده‌بندی دیویی: ۱۳۹۶ ش ک ۴۵/۵۸۴۷۴۱۵
شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۳۱۹۲۰

فصل ۱ خبرهای میمونی

خواهر دوقلوی من، کلودیا، گفت: «آرام بگیر، کلاید!»
گفتم: «هاها! بعداً می‌بینمت!»
از پله‌ها بالا دویدم و وارد موزه‌ی علوم شدم. فریاد
زدم: «هورا!» و شروع کردم به سُر خوردن روی زمین
سالن اصلی موزه.
یکی از نگهبانان موزه فریاد زد: «یواش‌تر!»





من باز هم شر خوردم و بعد دویدم.
خیلی چیزها بود که می‌خواستم ببینم!
دایناسورها! مومیایی‌ها! میمون طلایی! گوریل
تاکسیدرمی شده!



کلودیا شانهام را گرفت و گفت: «کلاید! ما برای
گشت و گذار این‌جا نیامده‌ایم! آمده‌ایم تا دکتر والی
را ببینیم.»
گفتم: «بخشکی شانس!»
هر دو به اتاقی رفتیم که دکتر والی در آن
آزمایش‌های علمی‌اش را انجام می‌داد.
همان جایی که ماجراهای من شروع شد.

من هم به در باز اتاق نگاه کردم. خیلی دلم می‌خواست بیرون بروم و چیزهایی را که برای نمایش در موزه گذاشته بودند ببینم.

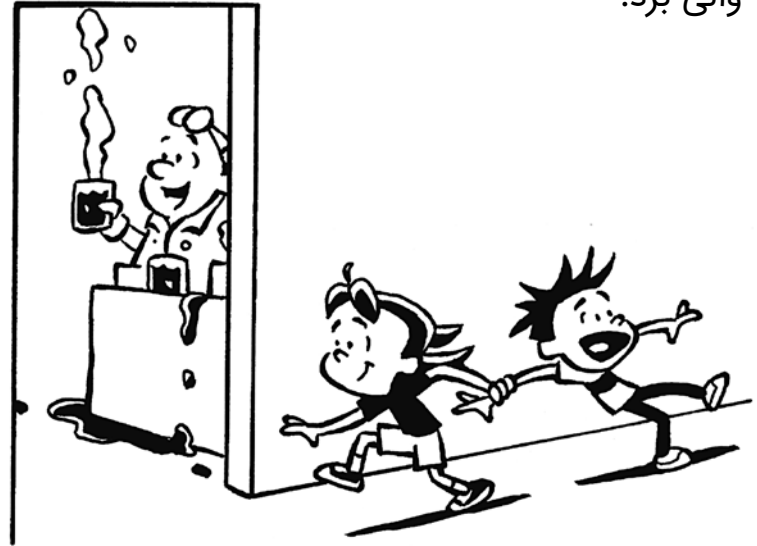
دکتر والی گفت: «هرچه بیشتر کلاید به میمون تبدیل شود، احتمال این که دیگر نتواند به حالت اولش برگردد بیشتر است.»
نفس کلودیا بند آمد.



من به طرف در رفتم.

کلودیا پرسید: «منظورتان این است که برادرم ممکن است برای همیشه میمون باقی بماند؟»
دکتر والی سرش را به علامت تأیید تکان داد.
کلودیا پرسید: «شنیدی، کلاید؟»
شنیده بودم. البته یک جورهایی. حالا دیگر نزدیک در بودم و از هیجان و رجه‌ورجه می‌کردم.

کلودیا درحالی که دستم را محکم می‌کشید گفت:
«از این طرف، کلاید!» او مرا با خودش به اتاق دکتر والی برد.



دکتر والی گفت: «خوش آمدید، کلاید و کلودیا!
چطور می‌توانم کمکتان کنم؟»
کلودیا گفت: «ما امیدوارم بودیم که شاید شما درمانی پیدا کرده باشید. یک چیزی که جلوی میمون شدن کلاید را بگیرد.»
دکتر والی گفت: «دارم رویش کار می‌کنم. باید هرچه زودتر هم درمان را پیدا کنم.»
او با دقت به من نگاه کرد.

فصل ۲ میمون در موزه



کلودیا فریاد زد: «کلایدا! بس کن!»
گفتم: «نمی‌توانم!» و به داخل راهرو پریدم.
سرم شروع کرد به گیج رفتن. ضربان قلبم تندتر و
تندتر شد.
بعد عطسه کردم.

